

**عنوان مقاله:**

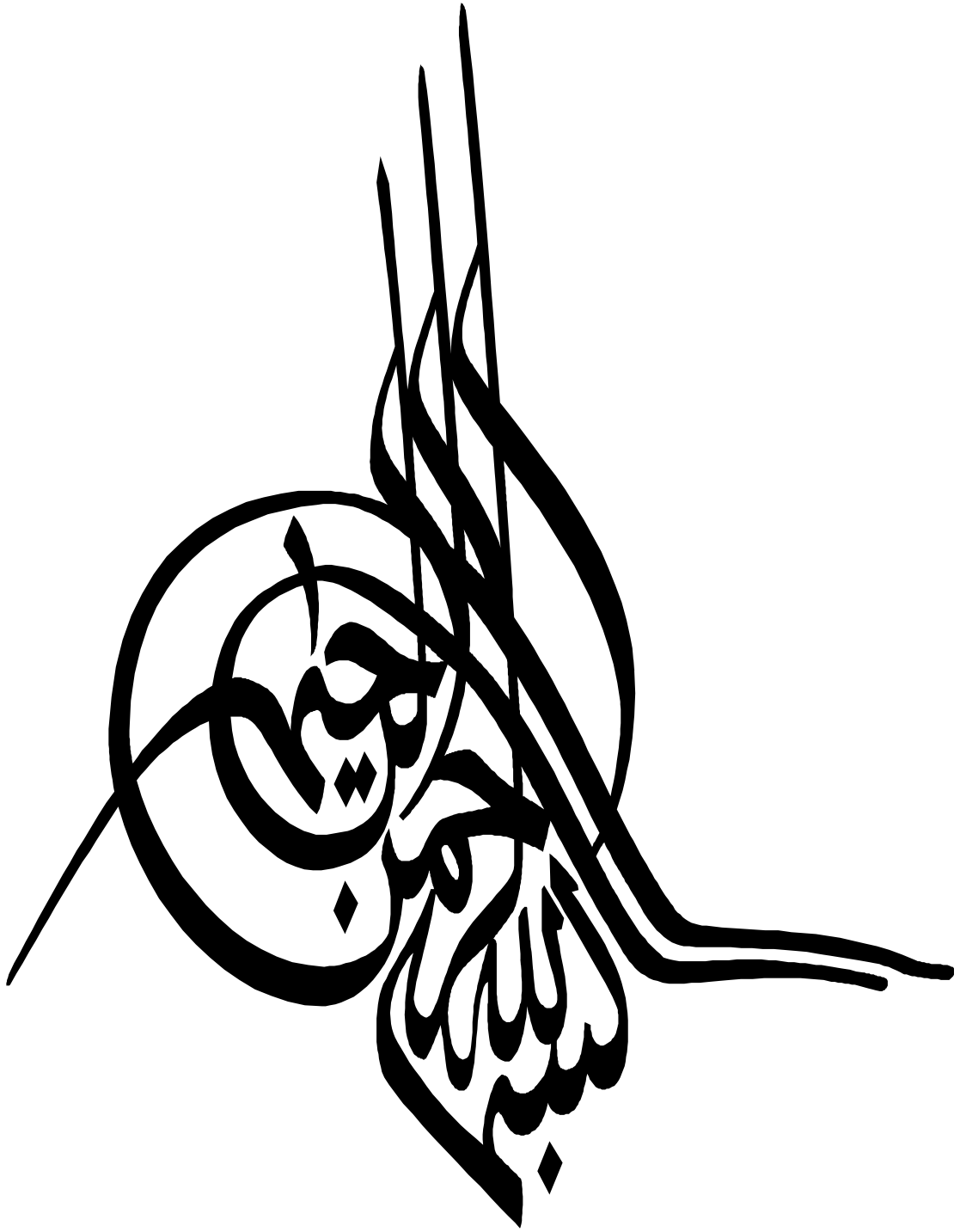
# **مصادیق حقوق همسایه از منظر قرآن و**

## **روایات**

نویسنده: مهیا گودرزی<sup>۱</sup>

---

۱. برگرفته از پایان نامه حقوق همسایگان از منظر قرآن و روایات، mahdi۱۳۸۲۱۳۷۰@gmail.com



## چکیده

موضوع تحقیق حاضر مصادیق حقوق همسایه از منظر قرآن و روایات است. همسایه به کسی گفته می شود که با دیگری در یک منزل یا در خانه ی پهلوی او زندگی می کند. از نظر اسلام همسایه مانند نفس انسان است و باید در حفظ آن کوشید و از آنجایی که همسایه در آرامش و آسایش اهل خانه دخالت و تأثیرات بسزایی بر فرزندان می تواند داشته باشد انسان باید قبل از خرید خانه در هر مرحله ای اوضاع همسایگان و مجاورین خانه ی مورد نظر را بررسی کند و وقتی در همسایگی کسی قرار گرفت باید حقوقی را مراعات کند که در این صورت از آثار و برکات آن در دنیا و آخرت بهره مند خواهد شد. این تحقیق با هدف بالا بردن سطح آگاهی مردم نسبت به حقوق همسایه و دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی در پرتوی شناخت حقوق همسایه و عملیاتی ساختن آنها و همچنین تحکیم و استمرار زندگی اجتماعی و بهبود روابط همسایگان به جهت بهره مندی از آثار متعدد آن و ترویج سبک زندگی اسلامی انجام شده است. از مصادیق حقوق همسایه، حفظ همسایه در غیاب او، یاری و کمک به همسایه، مخفی نگه داشتن بدی ها و عیب ها، عدم استراق سمع و... است. قرآن کریم در کنار دستور به پرستش الهی و احسان به پدر و مادر و بستگان و خویشان، توصیه به نیکی و احسان در حق همسایه نموده است. قرار گرفتن مراعات حق همسایه در کنار حق بندگی و نیکی به والدین، نشان از اهمیت آن در منظر قرآن دارد. در روایات نیز به اهمیت همسایه داری اشاره شده است که برخی از آنها در این تحقیق آمده است. همسایگی از نظر اسلام زمانی تأثیرات خوب و مناسبی خواهد داشت که در چهارچوب اصول اسلام شکل گرفته باشد.

کلیدواژه ها: حق، همسایه، قرآن، روایات، حق همسایگی.

## فهرست مطالب

### عنوان صفحه

۱.....	مقدمه
۲.....	۱- حفظ همسایه در غیاب او.....
۳.....	۲- بزرگداشت همسایه در حضورش.....
۴.....	۳- یاری و کمک به همسایه در حضور و غیاب.....
۵.....	۴- مخفی نگه داشتن بدی ها و عیب ها.....
۷.....	۴-۱- عیب جویی از دیگران و همسایه.....
۱۲.....	۵- عدم استراق سمع.....
۱۴.....	۶- حسادت نکردن بر نعمت و دارایی همسایه.....
۱۷.....	۷- بخشش و نادیده گرفتن خطاهای همسایه.....
۱۹.....	۸- حلم و بردباری نسبت به همسایه.....
۲۰.....	۹- دفع بدگویان و دشنام دهندگان همسایه.....
۲۳.....	۱۰- آگاه نمودن همسایه نسبت به خیانت دیگران.....
۲۴.....	۱۱- معاشرت نیکو با همسایه.....

نتیجه گیری..... ۲۷

فهرست منابع..... ۲۸

## مقدمه

بخش نسبتاً گسترده ای از تعالیم آسمانی اسلام را آداب معاشرت، تشکیل می دهد که هرگاه این تعلیمات عمیق و دقیق معاشرتی، بر جامعه ی بشری حاکم شود قدرت این را دارد که سیمای زندگی خفقان آور انسان امروز را دگرگون سازد و او را که در میان توده های تاریک حیوانیت در بند بندگی شهوت و قدرت گرفتار آمده است به سرمنزل نور و انسانیت هدایت کند.

آیین حیات بخش اسلام، اصول روابط انسان ها را بر پایه ی ایمان به خدا و اعتقاد به کرامت انسان پایه ریزی می کند و براساس یک سلسله حقوق انسانی جایگاه هر فردی را در برخوردهای فردی و اجتماعی مشخص می سازد.....

یکی از گروه های اجتماعی که به خاطر قرب مکان بیشترین رابطه را با یکدیگر دارند همسایگان می باشند که شیوه های برخورد و چگونگی رفتار با یکدیگر می تواند در جهت مثبت بسیار سازنده و در جهت منفی بسیار مخرب باشد و در این مورد قسمتی از آداب معاشرتی اسلام به چگونگی معاشرت با همسایه اختصاص یافته است.

این مسئله به اندازه ای اهمیت دارد که حضرت سجاد -علیه السلام- هم در رساله ی معروف «حقوق» حق همسایه را در ردیف حقوقی همانند حق خدا، حق پیشوا، حق نماز و... قرار داده است.

در این زمینه فرهنگ اسلام بسیار غنی و پر بار است. (تقوی، چهل چشمه

معرفت، چاپ ۳، تهران، نشر نخیل، ۱۳۸۵، ص ۶۹)

## ۱- حفظ همسایه در غیاب او

یکی از حقوقی که امام سجاد-علیه السلام- برای همسایه ذکر کرده اند حفظ همسایه در غیاب او است که ایشان در این باره فرمودند:

«فَحَفِظْهُ غَائِباً» (سپهری، همان؛ الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳) وقتی که غایب است، او را حفظ کنی؛ یعنی

وقتی او در خانه نیست، خانه و مال او را از تعرض و تجاوز دیگران حفظ کنی.

امام صادق-علیه السلام- از پدرشان امام باقر-علیه السلام- نقل می کنند که می فرمایند:

«قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَتَبَ بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَمَنْ لَحِقَ بِهِمْ مِنْ أَهْلِ يَثْرِبَ أَنَّ

الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرِ مُضَارٍّ وَلَا آئِمٍّ، وَحُرْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحُرْمَةِ أُمِّهِ؛

امام باقر فرمودند که من در کتاب (از امیرالمومنین کتابی به میراث نزد ائمه هدی علیهم السلام بوده

است که احکام و بسیاری از علوم در آن مضبوط و مذکور بوده و نسل به نسل به دست فرزندان

می رسیده است آن کتاب اینک خدمت حضرت بقیه الله-عجل الله تعالی فرجه الشریف-

است.) خواندم که پیامبر بین اهل مدینه؛ مهاجرین و انصار و دیگرانی که وارد می شدند،

دستورالعملی را نوشته بودند که براساس آن حرمت همسایه برهمسایه، مثل حرمت مادر است.»

(کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶۶، ح ۲؛ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۶، ح ۱۵۸۳۸)

همانطور که انسان برای مادر به عنوان یکی از محبوب ترین مخلوقات عالم احترام قائل است و او

را به عنوان نفیس ترین ناموسش صیانت و حفاظت می کند، باید از همسایه نیز همانطور حفاظت

کند. (نصیرزاده، محمد، شارح، یثربی کاشانی، همان کتاب، ص ۷۲)

«فَحَفِظْهُ غَائِباً» یعنی همان طور که نسبت به حرمت مادر خود حساسیت دارد و مادر را از تعرض دیگران و حتی از نگاه‌های تعرض آمیز مصون می‌دارد و خود را سپر می‌کند، باید نسبت به همسایه نیز این چنین باشد. این نهایت احترام به همسایه است که در هیچ مکتبی مانند آن یافت نمی‌شود. مقصود از حفظ همسایه در غیاب وی آن است که خانه و مال او را از تجاوز و تعرض دیگران حفظ نماید. علاوه بر این، انسان موظف است در فقدان و غیبت همسایه از جان و آبروی او نیز محافظت نماید و اگر کسی قصد تعرض به جان او را داشت به او خبر دهد و یا اگر کسی سخنان و اعمال ناروایی را به او نسبت دهد از او دفاع کرده، این نسبت‌های ناروا را مردود شمارد و خود نیز از دادن نسبت‌های ناروا یا غیبت کردن از او خودداری کند و همان‌گونه که در حضور او رفتار می‌نماید در غیبت او نیز همان رفتار را داشته باشد.

## ۲- بزرگداشت همسایه در حضورش

حق دیگری که امام سجاد برای همسایه بیان فرموده‌اند: «كَرَامَتُهُ شَاهِدًا» (سپهری، همان، ص ۶۲۳؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳). اکرام و بزرگداشت او در حضورش؛ یعنی وقتی باهم برخورد می‌کنند، یا با هم در یک جمع دوستانه شرکت دارند، او را اکرام کند و مقام او را پاس دارد. رسول خدا-صلی الله علیه وآله وسلم- می‌فرمایند:

«أَنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرِ مُضَارٍّ وَلَا آثِمٍ؛ همسایه مثل خود انسان است که نه به خود ضرر می‌رساند و

نه گناهی انجام می‌دهد.» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶۶، ح ۲؛ عاملی، وسائل

الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۶، ح ۱۵۸۳۸)



هر اهمتامي که به خود دارد، به او نيز داشته باشد. يعني همانطور که دوست داری با تو رفتار شود، با او رفتار کن؛ يعني همان احترام و بزرگداشتی که دوست داری ديگران به تو داشته باشند تو برای او به جای آور. ( نصيرزاده، محمد، شارح، يثربى کاشانى، همان کتاب، ص ۶۸ )

تکريم همسايه هنگام حضورش به اين است که انسان به او احترام گذاشته، و با زبانی نرم و محترمانه با او سخن بگويد و از بد زبانی و فحش و دادن القاب و نسبت‌های ناروا به او پرهيز نمايد؛ با اخلاق نیکو با او برخورد کند و همان‌گونه که دوست دارد ديگران با او رفتار نمايند او نيز با همسايه‌اش همان رفتار را داشته باشد. (همان، ص ۷۳)

### ۳- ياری و کمک به همسايه در حضور و غياب

حضرت سجاد در اين باره می فرمايند: «وُنُصِرْتُهُ وَ مَعُونَتُهُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعاً» (سپهری، همان؛ ابن

بابويه، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۳).

او را ياری کنی و نصرت دهی؛ هم از کلمه «نصرت» استفاده شده است و هم «اعانت».

اعانت در لغت نامه دهخدا به اين صورت معنا شده است:

۱. ( مصدر ) ياری کردن ياری دادن کمک کردن . ۲ - ( اسم ) ياری مدد کمک جمع : اعانات . يا

اعانه باثم ( اعانت باثم ) کسی را در گناه کردن يار شدن . يا جمع کردن اعانه . گرد آوردن وجه نقد از مردم برای کمک به کسی که محتاج است .

ماخوذ از تازی . ياریگری و استعانت و مدد . و نصرت و ياری و امداد و کمک و شفقت و مهربانی

و دستگیری و حمايت . ياری دادن . مضافرت . مظاهرت . [ اِنَ ] (ع مص ) ياریگری و استعانت و

مدد و نصرت و ياری و امداد و کمک . و شفقت و مهربانی و دستگیری و حمايت . کلمه نصرت در

فرهنگ لغت معين به معنی: (نُ رَ) [ع. نصره] (امص) باری، کمک.

شاید این دو لفظ از حیث معنوی و مادی مطرح باشد؛ اعانت در امور مادی و نصرت در امور معنوی.

در فرمایش های ائمه - علیهم السلام - و در توصیه های اخلاقی، این نکته آمده است.

مثلاً در روایتی از امام صادق - علیه السلام - به نقل از پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - آمده است:

«ما آمنَ بي من باتَ شبعانَ وجارهُ جائعٌ؛ اگر کسی که شب بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد، به

من ایمان نیاورده است.» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶۸، ح ۱۴؛ عاملی، وسائل

الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۹، ح ۱۵۸۴۹)

در روایت دیگری دارد کسی که لباس داشته باشد و همسایه اش برهنه باشد، مؤمن نیست؛

و همین طور کسی که خودش سیراب باشد و همسایه اش تشنه.

در هر حال، اصل یاری کردن او است؛ چه در غیاب و چه در حضورش؛ یعنی خانواده‌ی او را خانواده-

ی خودش بداند و از هر نوع کمکی که در توان او است دریغ نکند. (نصیرزاده، محمد، شارح، یثربی

کاشانی، همان کتاب، ص ۷۳-۷۴)

#### ۴- مخفی نگه داشتن بدی ها و عیب ها

امام سجاد - علیه السلام - حق دیگری برای همسایه ذکر می فرمایند این است که عیب های همسایه را

جستجو نکند، حضرت می فرمایند:

«لا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً، وَلَا تَبْحَثْ لَهُ عَنْ سِوَاةٍ لِتَعْرِفَهَا، فَإِنْ عَرَفْتَهَا مِنْهُ مِنْ غَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْكَ

وَلَا تَكْلُفْ، كُنْتَ لِمَا عَلِمْتَ حِصْنًا حَصِينًا، وَ سِتْرًا سَتِيرًا» (سپهری، همان؛ ابن بابویه، من

لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۳).

فرمایش امام سجاد -علیه السلام- بسیار دقیق است. به ظرایفی توجه فرموده اند که خیلی از مریبان و معلمان اخلاق از آن غافلند. به طور طبیعی همسایگان بر احوال یکدیگر واقف تر از دیگرانند، حضرت می فرمایند که اگر بر عیب و منکری از او علم پیدا کردی چشم خود را ببند و عیب و منکر او را چنان پنهان کن و پرده ی ضخیمی بر روی آن بکش، که اگر با نیزه دل تو را بشکافند و بخواهند این عیب را آشکار کنند، نتوانند.

باتوجه به این مطلب، حتی اگر همسایه، کافر باشد؛ صرف همسایگی، این حق را بر ذمه ی همسایه خواهد داشت و همسایه را در مقابل او مکلف به راز داری و چشم پوشی از عیوب او خواهد ساخت؛ چه رسد به این که به دنبال عیوب او باشد. (نصیرزاده، محمد، شارح، یثربی کاشانی، همان کتاب، ص ۷۴-

(۷۵)

نه تنها درباره ی همسایه، بلکه مطلق عیب جوئی از دیگران، به خصوص انسان های مؤمن به شدت نهی شده است.

در تعبیر امام سجاد -علیه السلام- آمده است:

«لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً»؛ «هرگز بدی های او را جستجو نکنید.» (سپهری، همان؛ ابن

بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳).

در توضیح این مطلب، روایتی بدین مضمون نقل شده است که:

«عَنْ حذیفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَيْءٌ يَقُولُهُ النَّاسُ: عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ

حَرَامٌ؟ قَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ، إِنَّمَا عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَرَاهُ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ يُعَابُ عَلَيْهِ، فَيَحْفَظُهُ عَلَيْهِ لِيُعِيرَهُ بِهِ يَوْمًا

إذا غَضِبَ؛ حذيفه بن منصور می گوید که من از امام صادق - علیه السلام - سؤال کردم که منظور رسول

اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - از این روایت که فرمودند: عورت مؤمن بر مؤمن حرام است چیست؟

حضرت فرمودند: گمان نکن منظور از عورت معنای خاصش باشد، که حرام است دیگران به آن

نظر کنند، بلکه این است که مثلاً اگر مؤمنی لغزش در سخن و در ادای کلمات داشت، عیب او را

حفظ کنی تا روزی آن را به رخش بکشی یا در جایی علیه او استفاده کنی.» ( ابن بابویه، معانی

الاحبار، ص ۲۵۵، ح ۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۱۴، ح ۸)

#### ۱-۴: عیب جویی از دیگران و همسایه

منظور حضرت این است که به هیچ وجه به دنبال عیب دیگر انسان‌ها نباشید.

یکی از زشت‌ترین و ناپسندترین خلقیات انسان این است که در پی عیوب دیگران باشد؛ به ویژه

همسایه که شرایط امروزی که خانه‌ها بسیار به هم نزدیک است از زشتی بیشتری برخوردار است.

(نصیرزاده، محمد، شارح، یثربی کاشانی، همان کتاب، ص ۷۵-۷۸)

در سخنی رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - نقل شده است که می فرمایند:

«اللهم إني أعودُ بكَ من خلیلٍ ماکرٍ عیناه تریانی و قلبه یرعانی، إن رأی حسنةً دفنها وإن رأی سیئةً

أذاعها؛ من از یک دوست به خدا پناه میبرم؛ دوستی که چشمان او مرا مشاهده می کند و دلش مراقب

من است، اگر از من خوبی ببیند، آن را دفن و پنهان می کند و اگر بدی ببیند در مقام اشاعه، فشا و

نشر آن برآید.» ( متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۳۶۶۶)

پیغمبر می فرماید: خدایا! به تو پناه می برم. معلوم می شود امر خطرناکی است که در کنار انسان

چنین فردی زندگی کند که کار و کسب و زندگی خود را تعطیل کند و مراقب دیگران باشد تا ببیند

چه لغزش، خطا و اشتباهی از آنها صادر می شود تا آن را در جامعه رواج دهد. در این صورت انسان

در خانه اش هیچ امنیتی ندارد و وقتی در چهاردیواری خانه خود امنیت نداشته باشد آسایش او از بین خواهد رفت.

سفارش آیه کریمه ی قرآن و دستور صریح شرع مقدس است که «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات(۴۹):۱۲)

در تاریخ نوشته اند خلیفه ی دوم، شب هنگام از کوچه های مدینه عبور می کرد. صدای ضعیفی از داخل خانه ای شنید؛ از دیوارخانه وارد شد و از احوال اهل خانه تجسس کرد و صاحب خانه را تهدید کرد. صاحب خانه مسلمان گناهکاری بود، اما مسلمانی بود که احکام شرع و دین را خوب می دانست و بنابراین گفت: جناب خلیفه اگر من در حال انجام یک گناهم، شما سه گناه مرتکب شده اید: یکی این که از دیوار خانه ی من بالا آمده اید و حال آنکه آیه شریفه قرآن می فرماید: «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» ( بقره(۲):۱۸۹) از در خانه ها وارد شوید؛ دیگر آن که آیه قرآن می فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا» تجسس نکنید؛ (حجرات(۴۹) : ۱۲) و حال آنکه به تجسس و تفحص از زندگی شخصی و خانه ی من برآمده ای و گناه سوم تو این است که وظیفه داری وقتی وارد خانه ای می شوی و با فردی برخورد می کنی، سلام کرده، بعد سخن بگویی؛ حال آنکه بدون سلام لب به سخن گشوده ای.

خلیفه گفت: این سه گناه را بر من ببخش تا من هم از گناه تو درگذرم.

(امینی، الغدیر، ج ۶، ص ۱۲۱، ح ۱ و ۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ی ابن ابی

الحدید، ج ۱، ص ۱۸۲)

در تعبیرات امام علی-علیه السلام - آمده است که می فرمایند:

«الْأَشْرَارُ يَتَّبِعُونَ مَسَاوِيَّ النَّاسِ، وَيَتْرُكُونَ مَحَاسِنَهُمْ؛ كَمَا يَتَّبِعُ الذُّبَابُ الْمَوَاضِعَ

الْفَاسِدَةَ؛ كَارِ أَشْرَارِ أَيْنَ اسْتَ كَه بَه دَنبَالِ بَدِي هَا وَ عِيُوبِ دِيْغَرَانَدِ وَ خُوبِي هَايَ أَنَهَا

رَا رَهَا مِي كَنَدِ. مِثْل مِغْسِ كَه-هَمِه زِيْبَايِي هَايَ اِنْسَانِ رَا رَهَا مِي كَنَدِ وَ بَرِ مَوَاضِعِ

فَاسِدِ مِي نَشِينَدِ.» (هَمَان، شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ يَ ابْنِ اَبِي الْحَدِيدِ، ج ٢٠، ص ٢٦٩، ح ١١٣)

افراد شرور هم مگس صفتند؛ همه ی خیرات و خوبی های دیگران را رها کرده به دنبال عیوب می گردند.

پیشوای یازدهم امام عسکری -علیه السلام - می فرمایند:

«مِنَ الْقَوَاصِمِ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَارُ السُّوءِ، إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَخْفَاهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا؛

بَدِي هَا وَ قَبَايِحِي كَه كَمَرِ اِنْسَانِ رَا مِي شَكَنَدِ، هَمَسَايِه بَدَا سْتِ كَه خُوبِي هَايَ تُو رَا پَنَهَانِ مِي كَنَدِ وَ

بَرُوزِ نَمِي دَهْدِ وَ اِگَرِ اَزِ تُو زَشْتِي وَ بَدِي دِيدِ، اَنِ رَا اَفْشَا مِي كَنَدِ.» (فِيضِ كَاشَانِي، مَحْجَّةُ

الْبَيْضَاءِ، ج ٣، ص ٤٢٧)

اميرالمؤمنين -علیه السلام- نیز در توصیه ی خود به مالک اشتر می فرمایند:

«سَعَى كُنْ مَأْمُورَانِي كَه اِنْتِخَابِ مِي كَنِي، كَسَانِي نَبَاشَنَدِ كَه بَه دَنبَالِ عِيْبِ جُوبِي اَزِ مَرْدَمَنَدِ.»

(صَالِحِ، نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، ص ١٧٣، نَامَه ٥٣)

حضرت در تعبیر دیگری می‌فرمایند:

«لِيَكُنْ أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَيْكَ وَأَبْعَدُهُمْ مِنْكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ؛ دشمن ترین افراد نزد تو، که باید همیشه از تو دور باشند، کسانی اند که بیشتر به دنبال عیب جویی از مردمند.» (آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۴۱۹، ح ۹۶۰۱)

در روایت دیگری از امیرالمؤمنین -علیه السلام- نقل شده است که می‌فرمایند:

«اِيَّاكَ وَمَعَاشِرَةَ مَتَّبِعِي عُيُوبِ النَّاسِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَسَلَمْ مُصَاحِبُهُمْ مِنْهُمْ؛ مؤمنان از معاشرت با افرادی که به دنبال عیوب دیگرانند بپرهیزند؛ چون همنشین آنها از ایشان در امان نیست.» (همان، ص ۴۳۳، ح ۹۸۸۷)

انسانها بدن عیب نیستند و بالاخره انسانهای عیب جو از انسان عیبی پیدا می‌کنند و آن را افشا کرده و موجب هتک حرمت و حیثیت انسان می‌شوند. (نصیرزاده، محمد، شارح، یشربی کاشانی، همان کتاب، ص ۷۰)

همچنین حضرت در روایت دیگری می‌فرمایند:

«تَتَّبِعُ الْعُيُوبِ مِنْ أَقْبَحِ الْعُيُوبِ وَشَرِّ السَّيِّئَاتِ؛ به دنبال عیب دیگران بودن یکی از قبیح ترین عیوب و بدترین گناهان است» (همان، ص ۴۵۱، ح ۱۰۳۷۳)

یعنی هم به عیب نفسانی بودن این سیئه اشاره می‌کند و هم به اثر آن که یکی از گناهان تلقی می‌شود. آن هم نه به عنوان یک گناه بسیط و کوچک، بلکه به عنوان بدترین بدی‌ها که اساساً از صفات انسانهای پست فطرت است.

فردی که دنبال زشتی های دیگران است، یا فاقد قدرت تشخیص می باشد و یا کج سلیقه است، از میان همه ی خوبی هایی که یک فرد می تواند داشته باشد، بدترین را انتخاب می کند.

یا این که اصلاً این انتخاب علامت خست و دناوت طبع او است. به جای اینکه چیزی را انتخاب کند که از آن منفعت ببرد، چیزی را انتخاب می کند که به دیگری ضرر بخورد. از میان این همه گوسفند مطلوب، سگ را انتخاب می کند که برای او هیچ منفعتی ندارد؛ اما وقتی سگ را می برد، به صاحبش ضرر می خورد.

در کلام امیرالمؤمنین -علیه السلام- دلیل این رفتار چنین بیان شده است که آنها با این کار خود قصد عذر تراشی برای بدکاری های خویش دارند. کسانی که به دنبال عیوب دیگران هستند، نوعاً افرادی اند که دارای عیوب و نقاط ضعف متعددی هستند و می خواهند برای خود شریک جرم بیابند.

حضرت در کلام دیگری می فرمایند:

«ذوو العیوب یحبون إشاعةَ معایبِ الناسِ لِیتَّسَّعَ لهم العُذْرُ فی معایبِهِم ؛ افرادی که دارای عیبند، دوست دارند عیوب دیگران را اشاعه دهند تا بتوانند برای عیوب خود دلیل تراشی کنند.»

(آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۴۲۱، ح ۹۶۵۲)

اینها با دلیل تراشی چنین وانمود می کنند که در عیوب خود تنها نیستند؛ بلکه همسایه، دوست و اطرافیان او نیز چنین هستند و از طرفی می خواهند حقارت اجتماعی خود را که به خاطر داشتن این عیب ایجاد شده است، جبران کنند.

امام صادق -علیه السلام- از رسول اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- نقل می فرمایند که فرمودند:

«مَنْ أذَاعَ فَاَحِشَّةً كَانَتْ كَمُبْتَدِئِهَا، وَمَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ؛ اگر کسی اشاعه ی فحشا کند، مانند کسی است که آن گناه را انجام داده است و کسی که مؤمنی را بر گناهی که کرده است،



سرزنش کند، از دنیا نخواهد رفت، مگر اینکه خود، مرتکب همان گناه شود.»  
(کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲؛ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۷، ح ۱۲۲۹۶)

یعنی اثر وضعی نقل عیب‌ها و زشتی‌های دیگران این است که در دنیا عذاب شود و عذاب او در دنیا مبتلا شدن به همان بلیّه است.

## ۵- عدم استراق سمع

گوش کردن پنهانی یکی از مصادیق عیب جویی از همسایه است. انسان حق ندارد به هیچ وجه در امور همسایه‌ی خود تحقیق و جستجو کند و نهی کلمه «لا تجسسوا» (حجرات (۴۹): آیه ۱۲) نهی عام بوده و شامل هر نوع فحص و جستجو در کار و زندگی دیگران نیز می‌شود؛ گرچه امروزه ابزار برقراری ارتباطات شکل و صورت جدید و تنوع بیشتری پیدا کرده است، ولی اصل کلی که عدم جستجو از زندگی همسایگان است، تفاوتی نخواهد کرد، مثلاً ممکن است او در حریم خانه‌ی خود با همسر، فرزند خود مشاجره و یا صحبت می‌کند و یا با مهمان خود سخن می‌گوید، کسی حق ندارد آن را بشنود؛

حال، شنیدن یا به این صورت است که از فاصله‌ی نزدیک بشنود، یا از پشت دیوار گوش بایستد و یا برای این کار وسیله‌های مخابراتی و ابزار استراق سمع درست کند و تلفن او را بشنود.

در این خصوص امام سجاد-علیه السلام- می‌فرمایند:

«لَا تَسْمَعْ عَلَيْهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ»

«از جایی که او خبر ندارد سخنان او را استماع نکنید» (سپهری، همان؛ ابن بابویه، من لا یحضره

الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳)

همچنین رسول اکرم-صلی الله علیه وآله وسلم- می‌فرمایند:

«انَّ اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ اَيُّهَا الْاُمَّةُ اَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصْلَةً وَنَهَاكُمْ عَنْهَا.....وَكَرِهَ التَّطَلُّعَ فِي

الدُّورِ؛ اى امت اسلام! خداوند متعال، بيست و چهار خصلت را در شما نمى پسندد: يکى از آنها، اشراف

پيدا کردن به خانه ي ديگران است که مى تواند با نگاه کردن يا با گوش دادن به سخنان باشد.»

(عاملی، وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۳۴۴، ح ۲۰۷۰۰)

در تعبير ديگرى امام صادق -عليه السلام- با اشاره به حديث مناهى، به اين معنى اشاره فرموده اند

که:

«أَنَّ يَطَّلِعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ» (همان، ج ۲۹، ص ۶۷، ح ۳۵۱۶۸)

يکى از امورى که پيامبرگرامى اسلام -صلی الله عليه وآله وسلم- از آن نهى فرموده اند، سعى در اطلاع

يافتن از خانه همسايه است. در بخش ديگرى از حديث مناهى اين تعبير آمده است که جداً قابل تأمل

و توجه است:

«أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَحَدَّ الْحُدُودَ فَمَا أَحَدٌ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ غَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ؛ خداوند

محرمات و حدودى دارد و هيچ موجودى غيرتمند تر از خداوند عالم نيست و کارهاى زشت را به واسطه

ى غيرت خود حرام فرموده است.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۲۱، ح ۲۵۷۲۵)

امام صادق -عليه السلام- با استناد به حديث مناهى مى فرمايند:

«أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَطَّلِعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ، وَقَالَ: مَنْ نَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَوْ عَوْرَةِ غَيْرِ أَهْلِهِ مُتَعَمِّدًا

أَدْخَلَهُ اللَّهُ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَبْحَثُونَ عَنْ عَوْرَاتِ النَّاسِ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ، أَلَا أَنْ

يُتُوبَ؛ خداوند نهى فرموده است که انسان برخانه ي همسايه اش اشراف و اطلاع پيدا کند، اگر كسى

به دنبال يافتن اسرار برادر مسلمانش يا ديگران باشد، خداوند او را همراه با منافقان وارد جهنم

می کند آنها کسانی اند که دنبال یافتن بدی های مردمند. از دنیا خارج نمی شوند تا این که خداوند آنان را مفتضح و رسوا می کند، مگر این که توبه کنند.» ( همان، ج ۲۹، ص ۶۷، ح ۳۵۱۶۸؛ ابن

بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳؛ همان، الامالی صدوق، ص ۵۱۴)

یعنی چون دنبال آبرو ریزی و بردن حیثیت برادر مسلمان و یا همسایه ی خود بوده اند اثر وضعی اش این است که در این دنیا، قبل از این که مرگ آنها را درکام خود کشد، مکافات عمل خود را خواهند دید و آبرویشان در معرض خطر قرار خواهد گرفت، مگر این که توبه کنند، که فقط در این صورت، از عقاب دنیوی و افتضاح و رسوایی دنیایی در امان خواهد ماند. (نصیرزاده، همان کتاب، ص ۸۸-۸۹)

## ۶- حسادت نکردن بر نعمت و دارایی همسایه

همسایه همواره در منظر و مشهد انسان قرار دارد و هر روز احوال و شرایط او را می بیند؛ بنابراین حقوقی است که باید به دقت رعایت کند تا زندگی در جوار سایر انسان ها شیرین و لذت بخش باشد؛ از جمله این که اگر همسایه اش از نعمت های فراوان برخوردار می شود مکدر نشود و بر او حسد نورزد.

امام سجاد -علیه السلام- می فرمایند: «وَلَا تَحْسُدْهُ عِنْدَ نِعْمَةٍ»

«اگر خداوند متعال به او نعمتی عنایت کرده است بر آن نعمت حسد نورزی» (سپهری، همان؛

الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳)

حسد به معنای آرزوی زائل شدن نعمت های او است که این یک صفت بسیار ناپسند است. در معارف اسلامی ما، یکی از شدید ترین موارد نهی متوجه صفت رذیله ی حسد است؛ امام صادق - علیه السلام- خطاب به انسان های دیندار می فرمایند:

اگر واقعاً دین دارید، بدانید که دین خدا آفت دارد و همان طور که آفت، گیاه و حیوان را از بین می برد، انسان ها را از پا در می آورد، امور معنوی هم آفات خاص خود را دارند. (نصیرزاده، همان کتاب، ص ۹۴)

امام صادق -علیه السلام-:

«أَفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ؛ آفت دین سه چیز است: حسد، عجب و فخر فروشی»

(کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۵؛ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۶، ح ۲۰۷۵۸)

از جمله آفات امور معنوی که در کلام امام -علیه السلام- بدان اشاره شده است سه چیز است که اولین آنها حسد است. حسد میکروبی است که به جان دین می افتد و تدریجاً دین انسان را نابود می کند؛ رسول اکرم -صلی اله علیه وآله وسلم- می فرمایند:

«فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ حسد، همه ی حسنات و نیکی ها را از بین می

برد همچنان که آتش، هیزم را می سوزاند.» (همان، ج ۸، ص ۴۵، ح ۸)

انسان های مؤمن و متدینی که به دنبال تأمین سعادت اخروی خود هستند، حسناتی را برای آخرت خویش ذخیره می کنند؛ حسد همه ی آن حسنات ذخیره شده را می بلعد همان طور که وقتی آتش به انبار هیزمی سرایت کند، همه ی آن را نابود می کند؛ یعنی همه ی اندوخته های معنوی انسان را نابود می کند، درست مثل تاجر یا کاسبی که عمری تلاش کرده و سرمایه ی کلانی اندوخته، اما در اثر بی تدبیری و خطا، همه ی این سرمایه را به نابودی می کشاند و از بین می برد. برای این اساس معنای فرمایش امام صادق -علیه السلام- روشن می شود که می فرمایند: «الْحَاسِدُ مُضِرٌّ»

بِنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يَضُرَّ بِالْمَحْسُودِ كَابْلِيسَ أَوْرَثَ بَحْسِدِهِ لِنَفْسِهِ اللَّعْنَةُ؛ انسانی که مبتلا به رذیله ی زشت

اخلاقی حسد است، قبل از اینکه به محسود (شخصی که مورد حسادتِ حسود واقع شده باشد).

زیان برساند، به خود ضرر رسانده است؛ مانند شیطان که با حسد خود، لعنت ابدی را برای خود

فراهم کرد.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۵، ح ۲۳)

یکی از زشت ترین، قبیح ترین و ناپسندترین گناهان و انحرافات اخلاقی، ابتلا به بیماری خطرناک

حسد است.

این سؤال به ذهن می رسد که چگونه حسد به دین لطمه می زند و حسنات را از بین می برد؟

حسود به خود زیان می رساند؛ زیرا وقتی گرفتار این رذیله ی اخلاقی شد، نگرانی های روحی و

روانی بر او چیره می شود و همواره می خواهد به صورتی خود را التیام بخشد، و همین باعث می شود

که دست به اقداماتی بزند که گاه این اقدامات، منجر به هتک حرمت و آبروی محسود می شود و گاه

به تجاوز به مال و نفس و حتی قتل محسود می انجامد که خطرات جدی برای حاسد در پی دارد؛ گرچه

ممکن است محسود نیز در این میان ضرر کند و خسارتی متوجه او شود.

در روایتی از رسول اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - نقل شده است که می فرمایند:

«كَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدَرَ؛ گاهی حسادت بر تقدیر انسان غلبه می کند.»

(کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۴)

در قرآن کریم نیز می خوانیم «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» ( فلق (۱۱۳): آیه ۵)

«[به خدا پناه می برم] از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد.»

حسود، همواره عذاب روحی دارد و همه ی دنیا را با وسعتش تنگ و تاریک و کوچک می پندارد

و گاه راه نجات خود را تنها در اقدامات خطرناکی علیه محسود و حتی علیه خود می داند.

در تاریخ نسبت به این مشکل اخلاقی مصادیق زیادی می توان یافت؛ چراکه این خصوصیت زشت اخلاقی همواره گریبان گیر بسیاری از انسان ها بوده وهست.

داستان معروفی است که فردی در جوار خود، همسایه ی صاحب نعمت و شوکتی داشت؛ چون از دسترسی به مال و نعمت او مأیوس شد و نتوانست آنها را از دست همسایه در بیاورد، غلام خود را اجیر کرد که برپام خانه ی همسایه ی پولدارش، سر از بدنش جدا کند تا این قتل به همسایه ی ممتول او نسبت داده شود و او را مجازات کنند. بعد از اینکه کشته شد، رازش به وسیله ی غلام افشا شد و هرگز به خواسته ی خود نرسید و بیماری حسد او را کشت. (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲۱، ص ۱۰۵-۱۰۷)

حسادت ازسخت ترین بیماری ها وکسالت های روحی است. بیماری های جسمانی و روحی فراوان است؛ گاهی انسان به یک بیماری خفیف مبتلا می شود که همه ی پزشکان علت آنرا تشخیص می دهند؛ گاهی نیز افراد به بیماری هایی مبتلا می شوند که حاد و مزمن است و شاید هیچ درمانی نداشته باشند. درچنین شرایطی بهتر است ریشه ی روانی بیماری شناخته شود که چگونه انسانی در گردابی از این رذایل اخلاقی غرق می شود.

## ۷- بخشش و نادیده گرفتن خطاهای همسایه

امام سجاد -علیه السلام- دراین خصوص می فرماید:

«تُقْبَلُ عَثْرَتُهُ وَتَغْفَرُ زَلَّتُهُ» (سپهری، همان؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳).

یعنی اگر همسایه لغزشی کرد و در دل انسان رنجشی به وجود آمد، آن را بزداید و بر او ببخشاید و آن لغزش را نادیده بگیرد.

از این جملات بر می آید که همه ی سعی امام -علیه السلام- آن است که قلب و دل مؤمن نسبت به همسایه ای که در جوار او زندگی می کند، مکدر نباشد و آینه ی دل او نسبت به همسایه اش غبارآلود نباشد؛ بلکه پاک، منزّه و مصفا باشد. اگرچنین نباشد و گناه و خطای او را نبخشاید، کینه ای که در دل انسان نسبت به آن خطا ایجاد می شود او را وادار به عکس العملی می کند که درنهایت موجب غضب است. ( نصیرزاده، همان کتاب، ص ۱۰۷)

همچنین پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- فرمودند: «ثَلَاثٌ مِنْ مَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ: تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَتُعْطَى مَنْ حَرَمَكَ وَتَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ؛ سه چیز از اخلاق بزرگوارانه است: به آنکه با تو قطع رابطه کرده است بپیوندی، و به آنکه تو را محروم داشته است ببخشی، و کسی را که به تو ظلم کرده است عفو نمایی.» ( حرانی، تحف العقول، باب «مواظظ الثبی و حکمه»، ص ۸)

یک کسی درباره ی شما مرتکب خطا یا جُنحه و یا جنایتی می شود. البته در اینجا بخشی از عمل مربوط به شخص شماست، و بخش دیگر مربوط به جامعه.

مثل اینکه قاتلی می آید انسانی را می کُشد، که این عمل، هم جنبه ی جنایی دارد و هم جنبه ی اجتماعی.

سخنی در آنجا است که آن عمل به جامعه ارتباط ندارد و حقی در جامعه تولید نمی شود: یک کسی به شما تهمت زده، دروغی بسته، از شما غیبتی کرده و از این نوع کارها، یا همان کارها ولی نه از جنبه ی اجتماعی بلکه از جنبه ی شخصی و فردی اش؛

شما عفو و گذشت می کنید؛ او تقاضای بخشش می کند، شما هم می بخشید، می گذرید. این عمل نیز عمل اخلاقی تلقی می شود مافوق عمل عادی، و یک نوع عمل قهرمانانه. (مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۱۶؛ احمدی، شرح مطهر بر احادیث نبوی، ص ۱۷۸)

## ۸- حلم و بردباری نسبت به همسایه

انسان موظف است نسبت به همسایه حلیم و بردبار باشد نه این که درمقابل خطای او عکس العمل نشان دهد. عکس العمل در برابر خطای همسایه و نبخشیدن او به قوه ی غضبیه ی انسان باز می گردد که یکی از زشت ترین و ناپسند ترین رذایل اخلاقی است که در معارف ما بدان اشاره شده است و ضمن اینکه وجود این غریزه در انسان ضروری است، ولی در علم اخلاق به مهار کردن آن توصیه شده است در روایات متعددی مشاهده می شود که از غضب به عنوان یک مرض مهلک تعبیر شده است. (نصیرزاده، همان کتاب، ص ۱۰۷-۱۱۰)

امام سجاد -علیه السلام- در این خصوص می فرمایند: «وَلَا تَدْخِرْ حِلْمَكَ عَنْهُ إِذَا جَهَلَ عَلَيْكَ؛ اگر نادانی از او سرزد از حلم و بردباری دریغ نفرمایی» (سپهری، همان؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳)

در تعبیری از امیرالمؤمنین -علیه السلام- آمده است که :

«غضب، نوعی دیوانگی است و انسان را از حال اعتدال خارج می کند؛ چون کسی که دارنده ی این سوء خلق است پشیمان می شود و اگر پشیمان نشود جنون او همیشگی است.» (آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۳۰۱، ح ۶۸۶۱)

در روایتی به نقل از امام صادق -علیه السلام- آمده است :

«الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ؛ غضب ایمان را از بین می برد همان طور که سرکه

عسل را نابود می کند.» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۱)



یعنی انسان عصبانی و غضب‌ناک، هرگز نمی‌تواند حلاوت و شیرینی ایمان خود را احساس کند.  
در بعضی از تعبیرات امام صادق -علیه السلام- نقل شده است که فرمودند:

«مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ؛ کسی که نتواند غضب خود را مهار کند نمی‌تواند مالک عقل

خود باشد» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۷۸، ح ۳۳)

گاهی غضب چنان بر انسان مستولی می‌شود که عذاب ابدی را برای او فراهم می‌کند.

امام صادق -علیه السلام- می‌فرمایند:

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ فَمَا يَرْضَى أَبَدًا حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ؛ انسان غضبناک می‌شود و هرگز راضی نمی‌شود

تا-کاری کند که باعث شود-داخل آتش گردد.» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۲؛ عاملی، وسائل

الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۵۸، ح ۲۰۷۳۴)

## ۹- دفع بدگویان و دشنام دهندگان همسایه

وقتی انسان دچار بیماری تندخویی و عصبانیت می‌شود؛ به طور طبیعی اگر کسی نسبت به او عمل  
خلافی را مرتکب شود، حاضر به گذشت و اغماض نخواهد بود و سریعاً عکس العمل نشان خواهد داد.  
( نصیرزاده، همان کتاب، ص ۱۱۰-۱۱)

ساده‌ترین عکس العمل، عکس العمل زبانی و بازکردن زبان به بدگویی و فحش است، که حضرت

سجاد -علیه السلام- در این خصوص می‌فرمایند:

«وَلَا تَخْرُجْ أَنْ تَكُونَ سَلِمًا لَهُ، تُرَدُّ عَنْهُ لِسَانَ الشَّيْمَةِ»

«از راه مسالمت خارج نگردی و بدگویی دیگران را از او دفع کنی.» (سپهری، همان؛ ابن بابویه، من

لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳)

عدم گذشت و نرم خویی و داشتن زبانی تند و خشن، ریشه در یک بیماری پنهانی به نام تندخویی و عصبانیت دارد که مظاهرش همان است که در کلام امام سجاد -علیه السلام- بدان ها اشاره شده است. حلم و بردباری بالاتر از کظم غیظ است.

کظم غیظ یعنی کسی که به هیجان در می آید و آثار عصبانیت و تندخویی در او مشاهده می شود، خود را مهار کند، اما حلیم و بردبار کسی است که نفس خود را طوری تربیت کرده است که هرگز در مقابل پیش آمدها و حوادث، غریزه ی خشمش بی جهت طغیان نمی کند. به یقین چنین فردی، برتر از کسی است که فقط خشم خود را فرو می خورد.

حلم و بردباری از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در دعاهای پیامبر اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- نقل شده است که می فرمودند: «اللهم اغننی بالعلم و زینتی بالحلم؛ خدایا! مرا باعلم، بی نیازکن و بالحلم، زینت بده» (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۷۳، ح ۴)

از این کلام حضرت معلوم می شود که حلم به انسان شخصیتی زیبا و شاداب می بخشد. زیبایی آن است که انسان در چشم دیگران خوب به نظر آید و دیگران از او لذت ببرند. خداوند، خلقت انسان را این گونه قرار داده که از هر نوع زیبایی و نظمی، لذت ببرد. زیبایی به معنای «موزون بودن» است. چهره ی زیبا، چهره ای است که چشم و بینی و دهان و کیفیت ترسیم خطوط آن، موزون تر از سایر چهره ها است. طبعاً حلم و بردباری هم صفتی است برای سیرت انسان. همان طور که صورت زیبا مطلوب است، سیرت زیبا نیز مطلوب است.

زیبایی سیرت در گرو بردباری و حلم است. اگر کسی متّصف به صفت حلم شد سیرت او مزین شده است؛ همان طور که اگر چهره ی زیبایی مزین شود، دوست داشتنی تر می شود، طبعاً اگر سیرتی، به حلم و بردباری تزئین شود، مقبولیتش بیشتر می شود.

از رسول اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- نقل شده است:

«خمسٌ من سننِ المرسلین: الحیاة والحلمُ و الحجامَةُ والسَّوَاكُ والتَّعَطُّرُ؛ پنج چیز از سیره و سنت

انبیای الهی است: حیا و خویشتن داری و حجامت و مسواک کردن و خود را خوشبو نمودن» ( هیشمی

شافعی، مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۹۹ و ج ۵، ص ۹۲؛ المتقی هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۵، ح ۱۷۲۳۷)

اصولاً اگر انبیای الهی واجد صفت حلم نبودند، هرگز توفیقی در نشر و اشاعه ی پیام وحی نمی- داشتند.

در تعبیر دیگری از حضرت نقل شده است که می فرمایند:

«انَّ الرَّجُلَ لِيُدْرِكُ بِالْحِلْمِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ؛ گاه انسان در سایه ی حلم به مرتبه ای می رسد که

خداوند بزرگ، آن را برای روزه داران و شب زنده داران شب ها فراهم کرده است» (نوری، مستدرک

الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۹۱، ح ۱۳۰۵۸)

یعنی بدون اینکه رنج عبادت را متحمل شود و مشقّت گرسنگی و بیداری شب را تحمل کند، خداوند

در سایه ی حلم او همان مرتبه و مقام را به او می دهد.

همانطور که قبلاً اشاره شد امام سجاد -علیه السلام- فرمودند:

«تَرَدُّ عَنْهُ لِسَانُ الشَّيْطَانِ» ( سپهری، همان؛ ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۳)

منشأً بدگویی، عصبانیت و فقدان حلم و بردباری است. طبیعی است که اولین عکس العمل تهییج غریزه ی خشم در زبان انسان ظاهر می شود؛ یعنی وقتی انسان خشمش طغیان کرد، اولین راهی که برای تسلی دل خود می آزماید، بدگویی و دشنام است. از حقوقی که همسایه به انسان دارد این است که اگر در غیاب او به زشتی از وی یاد کردند و یا بدگویی کردند از او دفاع کند که این سیره و سنت رسول خدا -صلی الله علیه وآله وسلم- بوده است.

### ۱۰- آگاه نمودن همسایه نسبت به خیانت دیگران

روابط بین انسان‌ها به ویژه همسایگان باید رابطه ای خالصانه و به دور از هر مکر و حيله و نیرنگ باشد. غش، خیانت و سوء استفاده از اعتماد افراد منشأ بسیاری از واماندگی‌های معنوی و انحطاط‌های اخلاقی جوامع ما است. ( نصیرزاده، همان کتاب، ص ۱۲۱-۱۲۲)

سقوط جوامع در مهالک اخلاقی، از تخلفات فردی آغاز می شود، آنگاه به افراد دیگر سرایت می کند و به تدریج همه ی جامعه را به تخلف از مسیر صحیح انسانی می کشاند.

در روایتی از امیرالمؤمنین -علیه السلام- نقل شده است که می‌فرمایند:

«شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ؛ بدترین مردم کسانی اند که به رعایت امانت

مردم، اعتقاد ندارند و از خیانت پروا ندارند.» (آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۴۶۰، ح ۱۰۵۲۸)

درسخن دیگری حضرت می فرمایند:

«غَايَةُ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْخَلِّ الْوُدُودِ وَ تَقْضِ الْعُهُودِ؛ اوج خیانت، خیانت به دوست مهربان و شکستن

عهدها و پیمان‌ها است.» ( همان، ص ۴۱۹، ح ۹۵۹۸)

خائن ترین انسان‌ها کسی است که از دوستی و اعتماد دیگران سوء استفاده کند.

امام سجاد-علیه السلام- در خصوص آگاه نمودن همسایه نسبت به خیانت دیگران می‌فرماید:

«وَتُبْلُ فِيهِ كَيْدَ حَامِلِ النَّصِيحَةِ» ( محمد، سپهری، همان؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۳).

یعنی اگر می بیند کسی با عنوان دوستی، درصدد خیانت به همسایه است، باید تا آن جا که می تواند ابتدا، همسایه را به این خیانت آگاه کند و آن کید و مکر را به هر ترتیب ممکن بی اثر کند. «نصح» به معنای خلوص است و کسی را دوست ناصح می گویند که در دوستی او غش و حيله نباشد.

### ۱۱- معاشرت نیکو با همسایه

هر چه روحیه ی دینی و اخوت اسلامی میان افراد جامعه حاکم باشد، به همان اندازه رابطه ها نزدیک تر و صمیمی تر و فاصله ها کمتر و کمتر می شود و دو همسایه ، بازوی یکدیگر می شوند و در غم و شادی و راحت و رنج، شریک هم می گردند.

برعکس آن در جوامع غربی و اروپایی و غرب زده است، که هرچه علایق مذهبی کم رنگ تر و ضعیف تر باشد، زندگی ها حالت سردی و کسالت بار می یابد و به زندگی غربی ها شبیه می شود، که نه تنها یک دیوار، بلکه دیوارهای متعددی میان دو همسایه و دو محل، یا کسانی که در یک خیابان یا یک مجتمع مسکونی به سر می برند، پدید می آید و همسایه از حال و روزگار همسایه ی بغلی یا طبقه ی بالا یا پایین یا خانه ی روبرویی بی خبر است. ( محدثی، همان کتاب، ص ۷۷).

حسن همجواری و یا معاشرت نیکو تنها یک اصطلاح سیاسی در ارتباط میان کشورها نیست، و تنها کاربرد بین المللی ندارد. میان اهل یک محل، یا در روابط دو همسایه نیز مطرح است. داشتن بهترین خانه، اما با همسایه ای بد و ناهنجار و مردم آزار، مفت هم گران است! افراد عاقل و هوشیار، درجایی خانه می خردند که محلش خوب و همسایگانش سالم و با فرهنگ باشند. و گرنه، یا باید خانه

را عوض کنند، یا عمری در رنج و عذاب به سربرند. توجه به همسایگان در خریدن و ساختن خانه، مغازه و محل کار، نشانه خردمندی است. (همان، ص ۷۸).

حسن همجوار تنها به این نیست که اذیت و رنجی به همسایه نرسانیم، گاهی تحمل سختیها و ناملایماتی که از سوی او برایمان پیش می آید، مصداق این «حسن همجواری» است. اگر بخواهیم روابط از هم نگسلد، باید صبور بود و باتحمل، و گرنه، پاسخ بدی را با بدی دادن و در زشتیها مقابله به مثل کردن، نشانِ حقارت روح و دون همتی است. به علاوه این کار از همه برمی آید. گذشت و تحمل است که اراده و ایمان و بزرگواری می طلبد.

در عالم رفاقت، شراکت، دوستی، ازدواج و همسری، همسفری، محیط کار، همسایگی و... نیز باید گاهی «سنگ زیرین آسیا» بود، نه کم ظرفیت و بی طاقت.

امام کاظم -علیه السلام- فرمودند: «لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفُّ الْأَذَى وَلَكِنَّ حُسْنَ الْجَوَارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذَى؛ حسن جوار و همسایه خوب بودن، تنها آزار رساندن نیست، بلکه آن است که بردایت همسایه صبور و بردبار باشی. (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶۷).

روشن است که این گونه احادیث هرگز مجوز «همسایه آزاری نیست. اگر توصیه به بردباری نسبت به آزار همسایه شده، بیش از آن و اکیدتر و شدیدتر، سفارش به خوش رفتاری و نرساندن آسیب و آزار به همسایگان شده است. (محدثی، اخلاق معاشرت، ص ۸۰).

امام سجاد -علیه السلام- می فرمایند:

«وَتُعَاشِرُهُ مَعَاشِرَةٌ كَرِيمَةٌ»

«و باید با او معاشرتی نیکو و کریمانه داشته باشی» (ابن بابویه، الخصال، ص ۵۶۹؛ الامالی

صدوق، ص ۴۵۵؛ صادقی فدکی، سیمای شیعه از نگاه اهل بیت، ص ۲۵)

جمله یاد شده هر آنچه را اسلام درباره ی رفتار نیکو با برادران دینی بیان کرده و هر آنچه را از آن نهی کرده شامل می شود و همسایه موظف است به تمام این سفارش ها درباره ی همسایه اش عمل نماید.

همچنین از امور مربوط به «خوش همسایگی» ، ابتدا کردن به سلام، عیادت در هنگام بیماری، تسلیت و تعزیت گفتن درسوگها ومصیبت‌ها، تبریک و تهنیت گفتن درشادی‌ها و اعیاد، چشم پوشی از لغزشها، سرک نکشیدن به رازها و امورپنهانی همسایه، مضایقه نکردن از کمک‌هایی که مورد نیاز او است، حتی اگر می خواهد چوبی (وتیرآهنی) بر دیوارت بگذارد، یا ناودانی را بر خانه ی تو بگذارد و از این گونه امور...مضایقه نکنی و سخت نگیری...» (قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۹۲ «حسن الجوار».)

همسایه حقوق دیگری نیز دارد که بیان آنها دراین تحقیق نمی گنجد؛ از جمله درکاردین و دنیا ارشادش کنی، با او صحبت طولانی نکنی، در عزا با او شریک باشی، درشادی تبریکش گویی و...

(جباران، درسنامه علم اخلاق، ص ۲۳۹.)

## نتیجه گیری

از تحقیق درباره مصادیق حقوق همسایه از منظر قرآن نتایج زیر حاصل گردید:

یکی از آنها حفظ همسایه در غیاب اوست؛ همانطور که انسان برای مادر به عنوان یکی از محبوب-ترین مخلوقات عالم احترام قائل است و او را به عنوان نفیس ترین ناموسش صیانت و حفاظت می کند، باید از همسایه نیز همانطور حفاظت کند؛ مخفی نگه داشتن بدی ها و عیب ها، عدم استراق سمع که گوش کردن پنهانی یکی از مصادیق عیب جویی همسایه است.

حسادت نکردن بر نعمت و دارایی همسایه؛ که از جمله آفات امور معنوی حسد است، حلم و بردباری نسبت به همسایه؛ انسان موظف است نسبت به همسایه حلیم و بردبار باشد نه این که در مقابل خطای او عکس العمل نشان دهد. عکس العمل در برابر خطای همسایه و نبخشیدن او به قوه ی غضبیه ی انسان باز می گردد که یکی از زشت ترین و ناپسند ترین رذایل اخلاقی است. بخشش و نادیده گرفتن خطاهای همسایه، دفع بدگویان و دشنام دهندگان همسایه، آگاه نمودن همسایه نسبت به خیانت دیگران؛ روابط بین انسان ها به ویژه همسایگان باید رابطه ای خالصانه و به دور از هر مکر و حيله و نیرنگ باشد. و معاشرت نیکو با همسایگان از مصادیق حقوق همسایه به شمار می رود.



## فهرست منابع

\*قرآن کریم

\* نهج البلاغه

### منابع فارسی

- ۱- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مترجم: غلامرضا لایقی، ج ۲۰، بی‌چاپ، تهران، ناشر کتاب نیستان، بی‌تا.
- ۲- احمدی، حسین، شرح مطهر بر احادیث نبوی، چاپ اول، انتشارات یاقوت، چاپ یاسین، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۳- تقوی، سیدرضا، چهل چشمه معرفت، چاپ سوم، تهران، نشر نخیل، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۴- جباران، محمدرضا، درسنامه علم اخلاق ۱، چاپ دوم، ناشر سنابل، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۵- سپهری، محمد، ترجمه و شرح رساله حقوق امام سجاد - علیه السلام -، چاپ سوم، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ قدس، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۶- صادقی فدکی، جعفر، سیمای شیعه از نگاه اهل بیت - علیهم السلام -، قم، ناشر مجمع جهانی شیعه شناسی-آشیانه مهر، ۱۳۹۰ هـ.ش.
- ۷- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۴۴ هـ.ش.
- ۸- قمی، عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.

- ۱۰- محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، چاپ سی و سوم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۱ هـ.ش.
- ۱۱- مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تحقیق: احمد حسین شریفی، چاپ سوم، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - رحمه الله علیه، ۱۳۹۴ هـ.ش.
- ۱۲- نصیرزاده، قاسم، یثربی کاشانی، محمد، شارح، سیری در رساله حقوق امام سجاد - علیه السلام - ج ۳، قم، انتشارات انصاریان با همکاری مؤسسه تحقیقاتی علامه مجدد وحید بهبهانی (رحمة الله)، ۱۳۸۷ هـ.ش.

### منابع عربی

- ۱- ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۳- \_\_\_\_\_، امالی صدوق، مترجم: محمدباقر کمره ای، تهران، ناشر کتابچی، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۴- \_\_\_\_\_، معانی الاخبار، ج ۱، چاپ علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۵- امینی، عبدالحسین، الغدیر، مترجم: جلال الدین فارسی، تهران، ناشر کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- ۶- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ هـ.ش.

۷- \_\_\_\_\_، تصنیف غررالحکم، محقق: مصطفی داریتی، قم، مرکز النشر التابع

المکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۶هـ ش.

۸- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴هـ ق.

۹- حرعاملی، حر، وسائل الشیعه، ج ۱۲ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۹ تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت،

دارالتراث العربی، بی تا.

۱۰- حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل حلال و الحرام، ج ۲، تهران، چاپ صادق

شیرازی، ۱۴۰۹هـ ق

۱۱- شیخ الاسلامی، حسین، غررالحکم، چاپ چهارم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۸هـ ش.

۱۲- ابن بابویه، (الصدوق)، محمد بن علی ابو جعفر، من لا یحضر الفقیه، مترجم: علی اکبر غفاری،

ج ۴، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین حوزه های علمیه قم، ۱۳۸۷هـ ش.

۱۳- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (شیخ الطائفه)، تهذیب الاحکام، ج ۳، بی جا، بی تا.

۱۴- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، محجۀ البیضاء فی تهذیب الإحیاء، ج ۳، قم، مؤسسه

النشر الاسلامی التابعه الجماعه المدرسین، ۱۳۷۶هـ ش.

۱۵- المتقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۲، ۶، ۱۶، بیروت، تحقیق شیخ

بکری حیانی، مؤسسه الرساله، بی تا.

۱۶- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵، بی‌چاپ، تهران، دارالاحیاء

التراث العربی، بی‌تا.

۱۷- نوری، محدث (حسین بن محمد تقی)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ۸، ۱۱،

۲۱، قم، مؤسسه آل‌البیت - علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.

۱۸- هیئتی شافعی، ابوالحسن نور‌الدین علی بن ابی‌بکر، مجمع‌الزوائد، ج ۲، چاپ دوم، بیروت،

دارالکتاب العربی، ۱۹۶۷ م.